

## عنوان مقاله:

بررسی اصلی ترین چالش های میان دامت و مک داوول در باب نظریه معنا و توصیف مناسب رفتار زبانی

## محل انتشار:

دوفصلنامه هستی و شناخت، دوره 0، شماره 17 (سال: 1388)

تعداد صفحات اصل مقاله: 18

## نویسنده:

علی حسین خانی - کارشناس ارشد فلسفه و منطق دانشگاه علامه طباطبائی

## خلاصه مقاله:

مک داوول [1] معتقد است که گویندگان با اظهار التفاتی جملات زبان خود، به بیان اندیشه می پردازند. به عبارتی، رفتار زبانی گویندگان را باید انجام افعالی گفتاری در نظر گرفت که دارای محتوای مشخص (اندیشه ها) و نوع مشخص (همچون بیان اندیشه، درخواست، پرسش و غیره) هستند. مک داوول با طرفداری از مفهوم اعتدال معتقد است که نظریه پرداز معنا، باید شخصی در نظر گرفته شود که دارای فهمی پیشینی از یک زبان، همچون فرا زبان است. اما به نظر دامت [2]، نظریه معنا نباید فهم بخشی از زبان را پیش فرض بگیرد. در نگاه او، این نظریه باید تمام مفاهیم اولیه زبان را تبیین کند و توضیح دهد که دارا بودن این مفاهیم به وسیله گویندگان به چه معنا است. مک داوول نیز با نقد این رهیافت تاکید می کند که دامت به دام رفتارگرایی محض خواهد افتاد و مجبور خواهد بود معنا را در عباراتی تحویلی و رفتاری تبیین کند، که چنین کاری، مخالف با این شهود بنیادین ما است که معنا عقلانی و هنجارین است. به این ترتیب، مک داوول، اساسا ارائه نظریه ای غیرمعتدل را ناممکن می داند. در این نوشته، علاوه بر طرح دیدگاه های دامت و مک داوول در باب کارکرد یک نظریه معنا، استدلال مک داوول را علیه نظریه غیرمعتدل معنا، بررسی و ارزیابی خواهیم کرد. [1]. John McDowell [2]. Michael Dummett

## کلمات کلیدی:

نظریه معتدل معنا، نظریه نیرو، مفهوم محتوا، مک داوول، دامت

## لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1225519>

